

از صدام تا نتانیاهو

بررسی مقایسه‌ای حمله اسرائیل به قطر با حمله عراق به کویت



مهرداد احمدی شیخانی

روزنامه‌نگار

برخی خدادهای این روزهای خاورمیانه، از جهاتی یادآور اتفاقاتی در گذشته است، هرچند نه عیناً یکسان، ولی مشابهت‌های قابل ذکری دارند. ۳۷ سال پیش، وقتی جنگ ایران و عراق پایان یافت، جدای از آن حس زخم التیام‌نیافته‌ای که برای ما ایرانیان به‌جای گذاشت و همچنان هم به نوعی پابر جاست، تصویری بیرونی هم داشت که تحولاتی بسیار در منطقه ایجاد کرد. غیر از اینکه ما احساس پیروزی نمی‌کردیم که این حس جای حرف دارد که آیا درست است یا خیر، سبب رواج این نظر نیز شد که جنگ هیچ پیروزی ندارد که از جنبه‌های متعددی درست است، اما یک تصویر بیرونی هم وجود داشت که به آن اندازه تصویر داخلی برای اکثر ما چندان مهم نبود، ولی در کلیت خاورمیانه، بسیار با اهمیت بود و هست. آن تصویر بیرونی این بود که وقتی در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷، ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، کاریزمای مرحوم امام خمینی (ره)، چنان قدرتمند بود که با همه پرسش‌های بی جواب، جامعه توانست که با آن همراهی کند و به نوعی، انتظار برای پاسخ پرسش‌ها را بگذارد برای زمانی دیگر، اما چنین وجهی از مدارا با آنچه جنگ ۸ ساله نامیده می‌شد، در عراق موجود نبود. عراق جنگی را آغاز کرده بود که بعد از ۸ سال نرفته‌ها در همان جای اول قرار داشت، بلکه هزینه‌ای گزاف بر عراق بار کرده بود که بیرون آمدن از زیر این بار، برای حتی دیکتاتوری چون صدام نیز آسان نبود و برای همین، صدام حسین علاوه بر دلایل عدیده اقتصادی، از جنبه روانی هم برای بیرون آمدن از زیر سنگینی چنین باری، نیاز به یک پیروزی معنادار داشت که حمله به کویت آن را برآورده می‌کرد. لذا در یازده مرداد ۱۳۶۹، عراق کویت را تسخیر و آن را استان نوزدهم خود نامید. این اتفاق، برعکس حمله به ایران، واکنشی جهانی را برانگیخت. اگر حمله به ایران، به هر دلیلی نرفته‌ها با مخالفت معناداری روبه‌رو نشد، که حتی هم در خاورمیانه و هم در جهان، حمایت شد؛ حمله به کویت از جهتی دیگر بود و به‌سریع واکنش‌ها و محکومیت‌های شدید را در پی داشت و در ادامه سبب‌ساز جنگ اول خلیج فارس و حمله کشورهای غربی به عراق شد و نتیجه تلاش صدام برای رسیدن به یک پیروزی معنادار، بعد از بی نتیجه ماندن جنگ ۸ ساله علیه ایران، مقدمه سقوط او را فراهم کرد؛ سقوطی که ریشه در بی‌ثمر بودن اصرار

نگاه حقوقدان

این تذهبون؟

نگاهی به طرح خروج ایران از معاهده عدم اشاعه (NPT)



آرش ملکی

پژوهشگر حقوق بین‌الملل

نقل قول مشهوری از جان رابرتس، قاضی برجسته و رئیس فعلی دیوان عالی ایالات متحده، بدین مضمون وجود دارد که می‌گوید ابتکار عمل در قانون‌گذاری لزوماً آسیب‌زا نبوده، و قوه مقننه می‌تواند پیرامون مسائل جدید و مبتلایه، به ایجاد قواعد حقوقی نو مبادرت ورزد. حال حکایت مجلس دوازدهم است که با درک واژگونه از این واقعیت حقوقی از جایگاه یک نهاد مردمی عدول کرده و با تمرکز بر واکنش‌های هیجانی از کارویژه اصلی خود دور افتاده است. اگر واقعیت را مبنای ارزیابی قرار دهیم، کارنامه پنج سال اخیر قوه‌مقننه هیچ دستاورد حقوقی قابل‌ملاحظه‌ای نداشته و نمایندگانی که به حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم سوگند خورده‌اند، به جای تنظیم نظام حقوقی کشور بر اساس خواست و مطالبات شهروندان به مچ‌گیری سیاسی از قوه مجریه، و رز جخوانی بی‌حاصل برای غرب مشغول هستند. آخرین نمونه از این ابتکارات شاذ، طرح خروج از معاهده عدم اشاعه است که ظاهر در واکنش به اجرای مکانیسم ماشه تدبیر شده است. با وضعیت پیچیده‌ای که بر سازوکار حکمرانی در کشور حاکم است، نمی‌توان تصویب (احتمالی) خروج از این سند بین‌المللی را به معنای تغییر دگرترین هسته‌های کشور دانست. از سوی دیگر، نگاه غرب به مسئله هسته‌ای ایران از ابتدا تاکنون از مدار رئالیسم خارج نشده است و این دولت‌ها در تصمیم به واکنش قهری - اعم از تحریمی و نظامی- همواره ارزیابی‌های نهادهای اطلاعاتی خود را مبنای قرار می‌دهند. در نتیجه، خروج از NPT و امثالهم جز بلخند رضایت کیهانیون و پاچوش هائرمه دیگری نخواهد داشت. گویانکه جنگ ۱۲ روزه هم بدون توجه به تعهدات بین‌المللی ایران آغاز شد. بالین وصف، معاهده عدم اشاعه یک سندی بین‌المللی مهم است که نقش قابل توجهی در تنظیم روابط بین‌الدولی در قرن گذشته ایفا کرد؛ لذا بررسی شکلی و ماهوی آن مهم تلقی می‌شود.

معاهده عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای یک معاهده بین‌المللی چندجانبه است که به تاریخ اول ژوئیه ۱۹۶۸ توسط پنجاه و هشت دولت به تصویب رسید و از پنجم مارس ۱۹۷۰ بدین سو اجرایی شد. این معاهده که در حال حاضر ۱۹۱ دولت را به عضویت پذیرفته، عالی‌ترین تلاش

بر جنگی داشت که عدم پیروزی در آن، معنایش فقط شکست بود و نه بی نتیجه بودن حمله به ایران.

امروز برای اسرائیل نیز همین داستان تکرار شده، اسرائیل دو سال است در غزه کشتار می‌کند، ولی غیر از کشتن زنان و کودکان و مردم پیر و جوان، دستاوردی نداشته، هرچند برای این کشور، کشتن کودکان شاید خودش دستاورد محسوب شود، ولی این را نمی‌تواند در افکار عمومی جهان به‌عنوان موفقیت جا بیندازد. حمله به لبنان و آن قتل عام حزب‌الله نیز بدون خلع سلاح حزب‌الله، معنایش فقط یک کشتار دیگر است و نه پیروزی و حتی شاید اگر خلع‌سلاحی نیز در این مرحله رخ دهد، در ادامه به پایان داستان حزب‌الله نینجامد. ماجرای سوریه و کرانه باختری هم باز فقط گشودن یک جبهه دیگر در بین میدان‌های جدید جنگ است و عملاً به معنای پیروزی نیست، پیروزی‌ای که اسرائیل برای رسیدن به آن و نشان دادن تفوق خود، بسیار به آن نیازمند است. حمله به ایران نیز، جدا از آنچه ما در داخل کشور بر آن بار معنایی گذاشته‌ایم، در تصویر بیرونی و برای اسرائیل، بسته خوش آب و رنگ پیروزی نبوده و نتوانسته آن را به‌عنوان پیروزی به افکار عمومی داخلی و خارجی بفرشد و حالاً بعد از دو سالی که به‌رغم گشودن این همه جبهه، موفقیتی که بتواند بگوید «این هم پیروزی»، در واقعیت روی زمین برای اسرائیل به دست نیامده، حمله به قطر و تلاش برای کشتن سران حماس اگر اتفاق می‌افتاد، تلاشی بود تا بلکه بتواند بگوید ما پیروزیم و نشد. حمله‌ای که اگر چه در تجاوزه به ایران واکنش‌های رسمی جهانی نداشت، ولی قطر آن پروپاگاندای ضدیت با ایران را نداشت که نتیجه، عکس‌العمل تند و گسترده کشورها بود؛ یعنی دقیقاً همان تفاوت واکنش رسمی جهانی در مقابل حمله عراق به ایران و کویت. این از مشابهت داستان حمله عراق به کویت و اسرائیل به قطر. اما اگر حمله عراق به کویت، واکنشی عملی را به همراه داشت، در مقابل اسرائیل، هیچ واکنش عملی رخ نخواهد داد و این احتمالاً، تیر خلاص بر پیکره همه توافقات و مناسبات و تفاهم‌های بین‌المللی است؛ توافقاتی که قبلاً هم معلوم شده بود که دیگر معنایی ندارد ولی این حمله، همچون کاغذ کادو، بسته مجموعه جهانی بی‌در و پیکر را کادوپیچ کرد. می‌گویند ترامپ اعتقادی به توافقات بین‌المللی ندارد و فقط به دنبال توافقی‌های دوجانبه با تأکید بر برتری مطلق آمریکاست. احتمالاً این حمله نتیجه‌اش این خواهد شد که کشورها، دیگر نتوانند روی هیچ توافقی با آمریکا حساب کنند، چون انگار وجود هر توافقی با عدم وجودش فرقی نمی‌کند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



عکس: خانه ملت

تندروها علیه توافق

نامه ۷۰ تن از نمایندگان وزیر امور خارجه را به مجلس کشاند

تصمیم‌گیران اصلی زوایای مختلف این مباحث را در نظر گرفته‌اند. آنها از هر ابزاری استفاده می‌کنند تا دولت (حتی پس از تأکیده‌های مکرر رهبر انقلاب) را تحت فشار قرار داده یا به آن حمله کنند. برخی از نمایندگان در بزنگاه تاریخی کنونی حتی از بازداشت و دستگیری رافائل گروسی در صورت ورود به ایران خبر دادند تا شاید زیر میز توافقات وزارت امور خارجه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بزنند. حالا هم نامه‌ای برای حضور عراقچی و علی لاریجانی این بار نه به عنوان رئیس مجلس بلکه به عنوان دبیرکل شورای عالی امنیت ملی و برای پاسخگویی به نمایندگان امضا کرده‌اند. نامه‌ای که شاید عنوانی غیر از «اقدام علیه توافق» برای آن پیدا نمی‌شود. اما در نهایت پروپاگاندای این گروه اقلیت در مجلس که سروصدای زیادی دارند، به سر منزل مقصود رسید و قالیباف در مقابل آنها کوتاه آمد و عصر روز گذشته این جلسه برگزار شد.

▼ تجمع علیه شورای عالی امنیت ملی

پربراه نیست اگر بگوییم تندروهای مجلس سرمنشأ تجمعات غیرقانونی در کشور شده است. پنجشنبه (۲۰ شهریور) ساعت ۱۶ تندروها به تبعیت از نمایندگان شان بار دیگر تجمع کردند. این تجمع غیرقانونی با عنوان «جنگ تمام‌شده به حساب گروسی خواهیم رسید» در مقابل دفتر شورای عالی امنیت ملی، بدون مجوز و با تبلیغات انجام شد. در حقیقت این تجمع علیه علی لاریجانی بود و در پلاکاردها نوشته شده بود: «جناب دبیر شورای عالی امنیت ملی؛ منتظر بودیم حساب حساب گروسی را برسید نه اینکه مجوز جاسوسی مجدد صادر بفرمایید». اینطور به‌نظر می‌رسد که سبک‌ل‌معیوب الگوبرداری نمایندگان

گزارش دو

غیبت برای رای به فلسطین

بررسی عدم حضور ایران در رای‌گیری قطعنامه راه‌حل دوکشوری در سازمان ملل

اصلی آن، مسلمانان، یهودیان و مسیحیان، باشد که از طریق یک همه‌پرسی آزاد و فراگیر، همان‌طور که در سند ۱۹/۸۶۲/۲۰۱۹ پیشنهاد شده است، ابرار شود،»

▼ بیانیه نیویورک چه می‌گوید؟

قطعنامه مصوب مجمع عمومی، بیانیه‌ای هفت صفحه‌ای است که فرانسه و عربستان آن را پیگیری می‌کنند. در این بیانیه که راه‌حل دوکشوری یا دودولتی (هر دو عنوان در ترمیم‌ها استفاده شده است)، را ارائه می‌دهد، انتقاداتی نسبت به حماس مطرح شده که بخشی از علت اعتراض ایران به آن است: این سند سازمان ملل علاوه محکومیت اقدامات رژیم اسرائیل در غزه شامل حملات اسرائیل علیه غیرنظامیان در غزه، زیرساخت‌های غیرنظامی، محاصره و گرسنگی، اقدامات حماس از جمله حمله ۷ اکتبر را نیز محکوم کرد. این بیانیه از «استقرار یک مأموریت بین‌المللی موقت برای ایجاد ثبات» در نوار غزه سخن می‌گوید که متشکل از کشورهای عربی و احتمالاً اروپایی خواهد بود تا مانع باقی‌ماندن نیروهای اسرائیلی در منطقه پس از توقف جنگ و تسهیل واگذاری مسئولیت‌های امنیتی به تشکیلات خودگردان فلسطینی شود. اقدام ایران در سازمان ملل، با واکنش‌های اندکی در فضای داخلی کشور روبه‌رو شد. صداسیما در گزارشی خبری به صورت منفی این قطعنامه را مورد توجه قرار داد.

ابراهیم اصغرزاده، رئیس کمیته سیاسی جبهه اصلاحات نیز در توضیح نوشت: «ایران با عدم حضور خود در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در حقیقت به تشکیل دولت فلسطین «نه» گفت، در حالی که اکثریت جهان «آری» گفتند؛ یعنی اینجا در هنوز بر همان پاشنه سابق می‌چرخد.

شرکت نکردن ایران یعنی تضعیف چانه‌زنی در دیپلماسی آینده و ادامه سیاست خارجی در خدمت ایدئولوژی و دور شدن از اجماع جهانی، و نتیجه آن انزوایی است که هزینه‌هایش را مردم می‌پردازند. رأی ندان ایران در مجمع عمومی، عملاً همان کارکرد رأی منفی را داشت؛ یک پاس گل آشکار به اسرائیل و آمریکا که تنها مخالفان جدی طرح بودند.»

▼ اقدام ایران به نفع فلسطین و منافع ملی نبود

مهدی ذاکریان، استاد حقوق بین‌الملل در تحلیل تصویب این قطعنامه در سازمان ملل، به خبرنگار هم‌میهن گفت: «اگر بخواهیم از منظر حقوق بین‌الملل به این موضوع نگاه کنیم، از قطعنامه طرح تقسیم فلسطین در ۱۹۴۷ تا امروز، قطعنامه‌ها و

گروه خبر: در حالی که جلسات علنی مجلس تا ۵ مهر ماه برگزار نمی‌شود تا نمایندگان فرصتی برای بازدید از حوزه‌های انتخابیه داشته باشند، ۷۱ تن از تندروهای مجلس به محمداقرا قالیباف، رئیس مجلس نامه‌نویسته و خواستار برگزاری جلسه‌ای با دولت، برای شنیدن توضیحاتی درباره نشست قاهره و مذاکرات آن شدند. نمایندگان در پی آن بودند که در یک جلسه فوق‌العاده، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و در صورت امکان، علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور حضور یافته و توضیحات لازم را ارائه کنند. مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، در چنین ایامی اگر ۵۰ نفر از نمایندگان در خواست تشکیل جلسه فوق‌العاده داشته باشند، ریاست مجلس می‌تواند این جلسه را تشکیل دهد. این نمایندگان دنبال اجرای قانون «تعطیل همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» هستند؛ قانونی که حکم همان سنگی را دارد که نه چاهی افتاده و دولت و کشور را به مخاطره انداخته است. با وجود مشکلات به وجود آمده اما برخی از مجلسی‌ها اجازه درآوردن این سنگ را نمی‌دهند. یکی از راهکارهای آنها نوشتن این نامه است. البته این نامه یک روی دیگر هم دارد؛ «دولت، سران قوا و شورای عالی امنیت ملی» برخی از نمایندگان مجلس را نقد تندرو و افراطی دیده‌اند که موضوعات پشت پرده را با آنها در میان نمی‌گذارند. به‌ویژه موضوعاتی که با منافع ملی گره خورده است. این بخش از نمایندگان پیش، حین و پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل با مصاحبه‌هایشان نشان دادند که دنبال جنگ هستند بدون آنکه شرایط اقتصادی، انرژی، اجتماعی و سیاسی کشور را در نظر بگیرند و هر بار که بحث مذاکره مطرح می‌شود مواضع تندی در مقابل آن می‌گیرند در حالی که

محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

قطعنامه‌پیشنهادی عربستان و فرانسه موسوم به «بیانیه نیویورک» درباره راه‌حل دوکشوری برای بحران فلسطین در حالی با اجماع مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید که جمهوری اسلامی ایران در رای‌گیری مربوط به آن شرکت نکرد. اگرچه این قطعنامه مربوط به مجمع عمومی و غیرالزام‌آور بوده و کارکردی سیاسی دارد، اما غیبت ایران به‌عنوان یکی از طرف‌های درگیر در موضوع فلسطین در رای‌گیری برای آن، مورد توجه واقع شد. این قطعنامه که در آستانه نشست سران مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۲ سپتامبر تصویب شد، ۱۴۲ رای مثبت، ۱۰ رای منفی و ۱۲ رای ممتنع گرفت. در میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، آمریکا، اسرائیل، آرژانتین و مجارستان از جمله اعضایی بودند که به این قطعنامه پیشنهادی رای منفی دادند. علاوه بر ایران، کشورهای عراق، افغانستان، تونس، نروژ، توالو، بنین، بولیوی، وائواتو، کیریباتی، اسواتینی (سوازیلند)، بوتان، اریتره و چند کشور دیگر در رای‌گیری غایب بودند. اهمیت این موضوع در آستانه برگزاری نشست سران از آن جهت است که برخی کشورها مانند بریتانیا، کانادا، فرانسه، بلژیک و استرالیا در جریان نشست پیش رو، به رسمیت شناختن کشور فلسطین را اعلام کردند.

▼ مخالفت با راه‌حل دو کشوری

نمایندگی ایران در سازمان ملل، به دنبال غیبت در این رای‌گیری، در نامه‌ای رسمی، دلایل خود را برای عدم حضور در رای‌گیری اینگونه اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران پیوسته خواستار آتش‌بس فوری و بدون قیدوشرط در غزه، دسترسی بدون مانع به کمک‌های بشردوستانه و بازسازی با احترام کامل به حقوق مردم فلسطین بوده است. ایران همچنین حمایت بی‌دریغ خود را از مقاومت پایدار مردم فلسطین در برابر اشغال، مداخله خارجی و سیاست‌های آپارتاید یادآوری می‌کند. ایران تأکید می‌کند که صلح پایدار تنها از طریق پایان دادن به اشغال و تحقق کامل استقلال و حاکمیت کشور فلسطین حاصل می‌شود، این امر باید مبتنی بر اراده واقعی ساکنان

